

# هو الله تعالى شأنه العزيز - مكتوب آن جناب واصل گشت.

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۳۴۲

## هو الله تعالى شأنه العزيز

مکتوب آن جناب واصل گشت. گویا نسیم صبای جان بود که از سبای حبّ محبوب عالمیان مرور نمود یا نفحه گلزار ریاض احدیه بود که به مشام عاشقان جمال هویت درآمد. فی الحقیقه آیتی از انقطاع الی الله بود و پرتوی از اشعه منبعثه قلب خالی از ما سوی الله. لله الحمد که بندگان حقّ دائماً در صعود به معارج انقطاعند و بر صراط قیم امر به خطّ استوا سالک و برقرار، طوبی لهم و حسن مآب. عالمی در شرّ و شورند و به غیر الله مسرور، این طیور آشیان خلّت نیز به محبتّ الله در غربت و کربت شادمان و پرحبور. جز حقّ چیزی نخواسته و نخواهیم و جز پناه او مأمنی نجسته و نجوئیم. دل به ذکر او مشغول و از غوغاء آفاق بی خبر و مهجور. جز نور مشرق تابان به قلوب روح و ریحان نبخشد و غیر از شمع عالم افروز رحمن ظلمات امکان را محو نماید. این گوشه عزلت از مسند عزّت رفیع تراست و این غربت و کربت از صد هزار وطن و راحت دلپذیرتر. بر لوح امکان و صفحه وجود این نقش ثابت و پایدار است و جز این کسر اب بقیع یحسبه الظمان ماء. هر چه سبب حیات عالم است پاینده و برقرار است و دون آن لباس عاریت و بی دوام. فاما الزبد فیذهب جفاء و اما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض.

مرقوم فرموده بودید که یحیی تقریضی بر مقامه حریری نوشته است. سبحان الله با وجود آنکه جناب نحریر فاضل و عالم کامل شیخ جلیل در آن دیار موجودند چگونه این شخص جسارت بر این نموده. خرف به بازار جوهریان



ORIGINAL



AUDIO

چگونه درآمد و نحاس مغشوش در مقابل ذهب خالص چگونه پرده برانداخت. اگرچه گوهرش آشکار گشت و جهلش پدیدار قل هذا فضاء فيه كَلَّت اجنحة النّسر و العقاب فاین انت یا ذباب و هذه ایكة لکن فیها لسان العنديل من النّعمات فاین انت یا غراب و هذا مضمار زلّ فيه اقدام فوارس العلوم فاین انت ایها الظّالع الجهول اطرق كرى اطرق كرى انّ النّعامه فی القرى رحم الله امرء عرف قدره و لم يتعدّ حدّه.

جمیعا صحیح و سالم به ذکر آن جناب مشغولند. اسبابی که خواسته بودید جمیع حاضر است الا استیکانها که نوشته شده است که از اسلامبول ارسال نمایند. انشاءالله بعد از رسیدن کلّ ارسال می شود. جمیع را سلام برسانید. جناب مسافر جدید شما ک را بسیار بسیار عشق و نیاز برسانید و بگوئید چون اسم شما کمالست و تا انسان جمیع حالات دنیا را نیازماید کامل نگردد لذا آنچه واقع شده است انشاءالله سبب علو و رفعت است، عیبی ندارد و مزاحاً این آیه را بخوانید یا عبادی الذّین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمة الله انّ الله یغفر الذّنوب جمیعا کما غفر عن رشدی عیوبی و بگوئید آن دو مرغ آواره نیز در آشیان غربت این طیور آواره منزل نموده اند. الحمد لله حزن و المی ندارند. به یاد شما خوشند. انشاءالله نمی گذاریم از هیچ جهت محزون باشند  
والسلام. عباس ۷ ربیع الاول ۱۲۹۰ نمرو ۰۱